

جاذبه‌های فرعی مکمل جاذبه اصلی

جاذبه‌های فرعی باعث افزایش ماندگاری زائری می‌شود

فرید جواهرزاده، دکترای اقتصاد جهانگردی



مذهبی-مذهبی تلقی می‌شوند.

اقامت، کمتر از سه روز!

در سند توسعه گردشگری مشهد ۱۴۰۴ سهم ۴۰ میلیون زائر و گردشگر مذهبی در کنار سه میلیون گردشگر خارجی در نظر گرفته شده است. پر واضح است مادامی که اقامت متوسط کمتر از سه روز را برای آنها در نظر بگیریم عایدات ناشی از این گردشگری بیشتر به حواشی گردشگری می‌رسد تا اصل آن، بر اساس همین استدلال است که بیشتر متخصصان برنامه‌ریزی شهری، اقتصاد گردشگری زیارت در مشهد را نه محصول محور بلکه متمرکز بر یک اتفاق می‌دانند.

بر اساس این نوع تفکر است که شهردار سابق مشهد اینگونه گفته است که مشهد چندان سودی از حضور میلیونی گردشگران و زائران نمی‌برد و بیشتر مشکلات آنها از قبیل تولید زباله و آلودگی است که بر جایی ماند. پر واضح است که اگر سهم «مقصد گردشگری» از «سفر گردشگران» کم و «میزان اقامت» ایشان حداقل ممکن باشد می‌توان در یک جمله سهم مقصد را آلودگی زیست محیطی و تولید زباله‌های محیطی دانست.

ماندگاری بیشتر، اقتصاد بهتر

اما اگر ماندگاری مسافر در مقصد افزایش یابد می‌تواند بر هزینه کرد زائران تأکید مضاعف داشته باشد و در یک کلام ماندگاری بیشتر مسافر برای مقصد، آورده اقتصادی بیشتری به همراه خواهد داشت. در سایه این تفکر است که می‌توان تک محصولی شدن گردشگری در مشهد را آفت اقتصادی شدن آن دانست. در این واقعیت که مشهد صاحب ده‌هزار واحد خدماتی است که سهم عمده‌ای از اشتغال و جمعیت خانوار را در پوشش خود قرار داده است شکی نیست و بر این اساس لزوم تحقق عینی توسعه همه جانبه مشهد در کالبد اقتصاد زیارت بیش از گذشته نمایان می‌شود.

توسعه شهر بر مبنای اقتصاد زیارتی و دیدگاه‌های مخالف

خوشبختانه چند صباحی است که بسیاری از مدیران و مسئولان ذریبط و نمایندگان محترم مشهد در مجلس شورای اسلامی نیز به این واقعیت که اساس توسعه شهر بر مبنای اقتصاد زیارتی باید باشد رسیده‌اند و از سویی دیگر توسعه بی رویه صنایع و مشاغل غیر مرتبط در این شهر تا اندازه‌ای کاهش یافته و فرایند توسعه ثمر بخش اقتصاد زیارت در دستور کار قرار گرفته

یکی از مهم ترین اصول برنامه ریزی و سرپرستی گشت‌ها را می‌توان، توجه به تفکیک جاذبه‌های اصلی و مکمل در جاذبه‌های گردشگری دانست. بر اساس این تعاریف هر مقصد گردشگری یک یا چند نقطه (جاذبه) اصلی و چند جاذبه مکمل دارد. این مهم در مدیریت مقاصد گردشگری آنقدر اهمیت دارد که بر اساس آن مطالعات مقصد شکل می‌گیرد و برنامه ریزان گردشگری همواره در تدارک شناسایی جاذبه‌ها و تفکیک آنها بر می‌آیند.

مدت ماندگاری مهم‌تر از تعداد ورودی زائر

بر این اساس با تعریف مذکور، می‌توان حرم مطهر رضوی را جاذبه اصلی گردشگری شهر مشهد و دیگر جاذبه‌های گردشگری شهر را جاذبه‌های مکمل تلقی کرد. البته شاید سؤالی که به ذهن متبادر شود آن باشد که تفکیک مذکور چه سودی در بردارد؟ مسلم است در این ارتباط باید اهمیت جاذبه‌های مکمل برای مدیریت مقاصد گردشگری را بالا بردن میزان ماندگاری سفر دانست چرا که اهمیت اقتصادی گردشگری برای جامعه مقصد نه در تعداد گردشگران بلکه در میزان اقامت و مدت ماندگاری آنها سنجیده می‌شود. نکته ای که متأسفانه در چند سال گذشته از سوی مدیران گردشگری کشور کمتر به آن توجه می‌شد.

جاذبه‌های مکملی را نیز می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. وقتی سخن از جاذبه مکمل می‌شود مراد و مقصود فقط یک ابنیه یا جاذبه انسان‌ساخته نیست، بلکه این جاذبه می‌تواند طبیعت بکر و حتی یک رویداد باشد. رویدادهای تنهایی در جایگاه جاذبه‌های اصلی نیز قرار می‌گیرند لکن بسیاری از مدیران مقاصد گردشگری، از آن برای افزایش میزان ماندگاری و یا حتی مبارزه با پدیده فصلی بودن بهره می‌جویند. جشنواره‌های تابستانی کیش را می‌توان از آن جمله دانست که تابستان خلوت کیش را از نقطه نظر گردشگری به فصلی شلوغ تبدیل می‌کند.

وقتی از گردشگران مذهبی سخن می‌گوییم دو دسته گردشگر را در نظر می‌گیریم: دسته نخستین گردشگرانی هستند که از اماکن مقدسه در دین خود بازدید می‌کنند که طبعاً این بازدید حکم زیارت به خود می‌گیرد که باید تعریف گردشگر مذهبی- زیارتی را برای آنها قایل باشیم اما از سویی دیگر، گروه یا دسته دوم گردشگرانی هستند که از اماکن مقدس دیگر ادیان بازدید به عمل می‌آورند که گردشگران